سُوْرَةُ الْمُؤْمِنُوْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝۱

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ۝۲

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُوْنَ ۝۳

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِلزَّكٰوةِ فٰعِلُوْنَ ۝۴

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ۝۵

اِلَّا عَلٰٓى اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ۝۶

فَمَنِ ابْتَغٰى وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ۝۷

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ۝۸

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَوٰتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ۝۹

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْوٰرِثُوْنَ ۝۱۰

الَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝۱۱

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ طِيْنٍ ۝۱۲

ثُمَّ جَعَلْنٰهُ نُطْفَةً فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ۝۱۳

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا

سوره مومنون مکی است وآن یك
صدوهیجده آیت وشش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هرآئینه رستگارشدند مسلمانان (۱) .

آنانکه ایشان درنماز خویش خشوع
کننده اند (۲) .

آنان که ایشان ازبیهوده روگردانند (۳) .

وآنان که ایشان زکوٰة رااادا کننده اند (٤) .

وآنانکه ایشان شرمگاه خودرا نگاه
دارنده اند (٥) .

مگر برزنان خویش یا برکنیزگانی که
ملك دست ایشان ست پس هر آئینه اینان
نکوهیده نیستند (٦) .

پس هرکه طلب کند سوای این آنجماعت
ازحد گذرنده اند (۷) .

وآنان که ایشان امانت های خودرا وعهد
خودرا رعایت کننده اند (۸) .

وآنانکه ایشان برنمازهای خود محافظت
می کنند (۹) .

این جماعت ایشانندآن وارثان (۱۰) .

که عاقبت کاربدست آرند بهشت فردوس
را ایشان آنجاجاوید باشندگانند (۱۱) .

وهرآئینه آفریدیم آدمی را از خلاصه ای‌از
گِل (۱۲) .

باز ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاهِ
استوار (۱۳) .

بازساختیم آن نطفه را خونِ بسته
بازساختیم آن خونِ بسته را گوشت پاره

الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا
اٰخَرَ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ ﴿١٤﴾

پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوانهای چند پس پوشانیدیم برآن استخوانها گوشت را باز آفریدیم اورا آفرینشی دیگر[1] پس بزرگ ست خدا نیکوترین آفرینندگان (١٤) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُوْنَ ﴿١٥﴾

بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید (١٥) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُوْنَ ﴿١٦﴾

بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید (١٦) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِيْنَ ﴿١٧﴾

وهرآئینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان ونبودیم ما ازآفرینش بی خبر (١٧) .

وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِى الْاَرْضِ وَاِنَّا عَلٰى
ذَهَابٍ بِهٖ لَقٰدِرُوْنَ ﴿١٨﴾

وفروفرستادیم ازآسمان آب را باندازه پس جای دادیم اورادرزمین وهرآئینه ما برُدورکردنِ آن توانائیم (١٨) .

فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّ اَعْنَابٍ لَكُمْ فِيْهَا فَوَاكِهُ
كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿١٩﴾

پس بیافریدیم برای شما بآن آب بوستانهائی ازدرختان خرما وانگور شمارا درآن بوستانها میوه های بسیار پیداشود بعض آن رامیخورید[2] (١٩) .

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَيْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ
وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِيْنَ ﴿٢٠﴾

وآفریدیم درختی که بیرون می آیدازطور سینا یعنی درختِ زیتون میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام خورندگان را (٢٠) .

وَ اِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِىْ بُطُوْنِهَا وَلَكُمْ فِيْهَا

هرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان ست وشمارا درآن چهار پایان

---

(١) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی .

(٢) یعنی بطریق قُوت .

مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾

منفعت های بسیارست وبعض اینهارا می‌خورید (٢١) .

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

وبرچهار پایان وبرکشتی هاسوار کرده می‌شوید (٢٢) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبودی غیروی آیا نمی‌ترسید (٢٣) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾

پس گفتند اشراف کسانیکه کافربودند ازقوم اونیست این شخص مگر آدمی مانند شما خواهد که ریاست پیداکند برشما و اگر خواستی خداهرآئینه فروفرستادی فرشتگان را نه شنیدیم این ماجرا را درپدران نخستینِ خویش (٢٤) .

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾

نیست این شخص مگر مردی که به وی عارضهٔ دیوانگی ست پس انتظار وی کنید تامدتی (٢٥) .

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾

گفت ای پروردگار من نصرت ده مرابسبب آنکه دروغگو شمر دند مرا (٢٦) .

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ۙ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۖ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

پس وحی فرستادیم بسوی وی که بساز کشتی را زیرنظارتِ ما وبفرمانِ ما پس چون آید فرمانِ ما وجوش زند تنور پس درآر درکشتی ازهرجنسی دو عدد (نروماده) را ودرآرآهل خودرا اِلّاآنکه ازایشان سبقت کرده است بروَی گفتهٔ حق و سخن مگو بامن دربارهٔ آنان که ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند (٢٧) .

فَاِذَا اسْتَوَيْتَ اَنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِيْ نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٨﴾

پس چون راست بنشینی تووهرکه باتوباشد برکشتی پس بگو همهٔ ستائش خدای راست آنکه نجات دادمارا ازگروهِ ستمگاران (٢٨) .

وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ﴿٢٩﴾

وبگوای پروردگارمن فرود آرمرا درمنزل مبارك وتو بهترین فرود آرندگانی (٢٩) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ ﴿٣٠﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست وهرآئینه مابودیم امتحان کنندگان (٣٠) .

ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِيْنَ ﴿٣١﴾

بازبیافریدیم بعدایشان قرنی دیگر را (٣١) .

فَاَرْسَلْنَا فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ
مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٣٢﴾

پس فرستادیم میانِ ایشان پیغامبری را ازقبیلهٔ ایشان که عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی آیا نمی‌ترسید (٣٢) .

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ
وَاَتْرَفْنٰهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۙ يَاْكُلُ
مِمَّا تَاْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ ﴿٣٣﴾

وگفتند رئیسان ازقوم وی آنان که کافرشدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را وآسودگی داده بودیم ایشان را درزندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما می‌خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی آشامد ازآنچه شما می آشامید (٣٣) .

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ﴿٣٤﴾

و اگرفرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید (٣٤) .

اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَّعِظَامًا
اَنَّكُمْ مُّخْرَجُوْنَ ﴿٣٥﴾

آیاوعده دهد شمارا که شما چون بمیرید وشوید خاك واستخوانی چند بیرون آورده خواهیدشد (٣٥) .

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿٣٦﴾

بعیدست، بعیدست آنچه وعده داده می‌شوید (٣٦) .

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا
وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾

نیست زندگانی مگرزندگانی این جهانی مامی میریم وزنده می شویم ونیستیم برانگیخته شده[1] (٣٧) .

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

نیست این شخص مگر مردی که افترا کرده برخدا دروغ را و مانیستیم اوراتصدیق کننده (٣٨) .

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾

گفت ای پروردگار من نصرت ده مرابمقابلهٔ آن که دروغگو شمردندمرا (٣٩) .

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾

گفت باندك زمانی پشیمان خواهند شد (٤٠) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً ۚ فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

پس گرفت ایشانرا آوازسخت بحسب وعدهٔ راست، پس گردانیدیم ایشان را خاشاك درهم شکسته پس دوری بادگروه ستمگاران را (٤١) .

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

بازپیدا کردیم بعد ایشان قرنهای دیگررا (٤٢) .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾

سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمیعادِ خود نه باز پس میمانند (٤٣) .

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۖ كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۚ
فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۚ
فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

باز فرستادیم پیغامبران خودرا پی درپی هرگاه آمد بامتی پیغامبرِ او بدروغ نسبت کردند اورا پس ازپی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی درهلاك) وساختیم امت هارا افسانه پس دوری بادگروهی را که ایمان نمی آرند (٤٤) .

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا

بازفرستادیم موسیٰ وبرادراوهارون را

(١) یعنی بعض می میرد وبعض زنده می شود .

وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٥﴾

بانشانه های خویش وبادلیل ظاهر (٤٥).

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا عَالِيْنَ ﴿٤٦﴾

بسوی فرعون وجماعت اُو پس سرکشی کردند وبودندگروه تکبر کننده (٤٦) .

فَقَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ﴿٤٧﴾

پس گفتند آیاایمان آریم بدوآدمی مانند خویش وقوم ایشان مارا خدمت گذارند (٤٧) .

فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ﴿٤٨﴾

پس دروغگو گفتند ایشان را پس شدند ازهلاك شدگان (٤٨) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٤٩﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بُوَد که ایشان راه یابند (٤٩) .

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهٗٓ اٰيَةً وَّاٰوَيْنٰهُمَآ اِلٰى رَبْوَةٍ ذَاتِ
قَرَارٍ وَّمَعِيْنٍ ﴿٥٠﴾

وساختیم پسر مریم را ومادرش رانشانه وجای دادیم ایشان را بزمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان (٥٠) .

يٰٓاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا ۭ اِنِّيْ بِمَا
تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٥١﴾

گفتیم ای پیغامبران بخورید غذای پاکیزه وبکنید کار نیکو هرآئینه من بآنچه می‌کنید دانایم (٥١) .

وَاِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنِ ﴿٥٢﴾

وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس بترسید ازمن (٥٢) .

فَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ۭ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا
لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿٥٣﴾

پس متفرق ساختند امتان کارخودرا درمیان خویش پاره پاره هرگروهی بآنچه نزد اوست شادمان ست (٥٣) .

فَذَرْهُمْ فِيْ غَمْرَتِهِمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿٥٤﴾

پس بگذار ایشان را درغفلت ایشان تامدتی (٥٤) .

اَيَحْسَبُوْنَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهٖ مِنْ مَّالٍ وَّبَنِيْنَ ﴿٥٥﴾

آیا پندارند که آنچه امداد می کنیم ایشان را بآن ازمال وفرزندان (٥٥) .

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ ۭ بَلْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿٥٦﴾

سعی درنیکوئی ها می کنیم برای ایشان

بلکه نمی دانند[۱] (٥٦) .

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾

هرآئینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش مضطربند (٥٧) .

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾

وآنان که ایشان بآیاتِ پروردگار خویش ایمان می آرند (٥٨) .

وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

وآنانکه ایشان به پروردگار خویش شریك مقررنمی کنند (٥٩) .

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ
إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

وآنان که میدهند آنچه میدهند و دلهای ایشان ترسانست بسبب آنکه ایشان بسوی پروردگارخویش بازخواهند گشت (٦٠) .

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

این جماعت سعی می کنند درنیکی هاوایشان بسوی آن سبقت کننده اند (٦١) .

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

وتکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او ونزد ماکتابیست که سخن گوید براستی[۲] وبرایشان ستم کرده نشود (٦٢) .

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ
ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

بلکه دل های ایشان درغفلت ست ازین سخن وایشان را عملهاست غیر[۳] ازاین ایشان آن را کننده اند (درغفلت خویش ماندند) (٦٣) .

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿٦٤﴾

تاوقتیکه چون گرفتارساختیم آسودگان ایشان را بعذاب ناگهان ایشان فریاد می‌کردند (٦٤) .

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

(گفتیم) فریاد مکنید امروز هرآئینه شما ازمانصرت داده نخواهید شد (٦٥) .

---

(۱) یعنی نعمت نیست بلکه استدراج است .
(۲) یعنی نامۀ اعمال .
(۳) یعنی غیر انکار قرآن .

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾

وهرآئينه خوانده می شدآياتِ من برشما
پس شما برپاشنه های خود بازمی گشتيد
(٦٦) .

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾

تكبر كنان برآن قرآن بافسانه مشغول شده
ترك می كرديد (٦٧) .

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

آيا تأمل نكردند درين سخن يا آمده است
بايشان آنچه نيامده بود به پدران نخستين
ايشان (٦٨) .

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿٦٩﴾

آيانشناختند پيغامبر خودرا پس ايشان باو
ناآشنا يند (٦٩) .

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ
كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾

آيا ميگويند به وی ديوانگی ست بلكه
آورده است پيش ايشان سخن راست را
وبيشترين ايشان سخن راست را
ناخواهانند (٧٠) .

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ
بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾

و اگرپيروی كردی خدای تعالی آرزوهای
ايشان را هرآئينه دَرهَم می‌ريخت نظام
آسمانهاوزمين وهركه درآنهاست بلكه
آورديم بديشان پندايشان را پس ايشان
ازپند خويش روگردانند (٧١) .

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾

آيا ميخواهی ازايشان مزدی پس مزد
پروردگار تو بهترست واو بهترينِ روزی
دهندگانست (٧٢) .

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾

و هرآئينه تومی خوانی ايشان را بسوی
راه راست (٧٣) .

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ﴿٧٤﴾

وهرآئينه آنانكه ايمان نمی آرند بآخرت
ازآن راه يكسوشونده اند (٧٤) .

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾

واگررحم می كرديم برايشان
وبرميداشتيم آنچه بايشان ست ازسختی
هرآئينه پيوسته می شدند دربيراهی خود

سرگشته (٧٥) .

وَلَقَدْ اَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوْا لِرَبِّهِمْ
وَمَا يَتَضَرَّعُوْنَ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه گرفتار کردیم ایشان را بعذاب پس نیایش نکردند به پروردگار خود و زاری نمی نمایند (درغفلت خویش ماندند) (٧٦) .

حَتّٰىٓ اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيْدٍ اِذَا هُمْ فِيْهِ
مُبْلِسُوْنَ ﴿٧٧﴾

تاوقتیکه چون بگشادیم برایشان دری دارای عذاب سخت ناگهان ایشان درآنجاناامید شوندگانند (٧٧) .

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ قَلِيْلًا
مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٨﴾

واوست آنکه بیافرید برای شماشنوائی ودیده ها ودل هارا، اندکی شکر گذاری می‌کنید (٧٨) .

وَهُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٧٩﴾

واوست آنکه پیدا کردشمارا درزمین وبسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٧٩) .

وَهُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّيْلِ
وَالنَّهَارِ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٨٠﴾

واوست آنکه زنده می کند ومی میراند و او راست آمدوشدِ شب و روز آیا نمی‌فهمید (٨٠) .

بَلْ قَالُوْا مِثْلَ مَا قَالَ الْاَوَّلُوْنَ ﴿٨١﴾

بلکه گفتند مانند آنچه گفته بودند نخستینیان (٨١) .

قَالُوْٓا ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ ﴿٨٢﴾

گفتند آیاچون بمیریم وشویم خاك واستخوانی چند آیا ما برانگیخته خواهیم شد (٨٢) .

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَاٰبَآؤُنَا هٰذَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هٰذَآ
اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨٣﴾

هرآئینه وعده داده شد باین سخن مارا وپدران مارا پیش ازین نیست این مگر افسانهای پیشینیان (٨٣) .

قُلْ لِّمَنِ الْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهَآ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٤﴾

بگو کراست زمین وآنچه درآنست (بگوئید) اگرمی دانید (٨٤) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ قُلْ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٨٥﴾

خواهند گفت این همه خدای تراست بگو آیا پندپذیرنمی شوید (٨٥) .

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿٨٦﴾

بگوکیست پروردگار آسمانهای هفت گانه

و پروردگار عرش بزرگ (٨٦) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۚ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٨٧﴾

خواهند گفت این همه خدای راست بگو آیا پس نمی ترسید (٨٧) .

قُلْ مَنْۢ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ يُجِيْرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٨﴾

بگو کیست آنکه بدست اوست پادشاهی هرچیز واوزینهار میدهد وزینهار داده نمی شود برخلاف او (بگوئید) اگر می‌دانید (٨٨) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۚ قُلْ فَاَنّٰى تُسْحَرُوْنَ ﴿٨٩﴾

خواهند گفت این همه خدای راست بگو پس چگونه فریب داده می شوید (٨٩) .

بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِالْحَقِّ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٩٠﴾

بلکه آورده ایم بایشان سخن راست را وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (٩٠) .

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَّلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٩١﴾

هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه اُوهیچ معبود دیگرآنگاه ببردی هرمعبود چیزی که آفریده بود وهرآئینه غالب آمدی بعض ایشان بربعضیِ، بپاکی صفت می کنم خدای را ازآنچه بیان می‌کنند (٩١) .

عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٩٢﴾

دانندۀ نهان وآشکار است برترست ازآنچه شریك می آرند (٩٢) .

قُلْ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّيْ مَا يُوْعَدُوْنَ ﴿٩٣﴾

بگوای پروردگار من اگربنمائی مرا آنچه ترسانیده می شوند (٩٣) .

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِيْ فِي الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٤﴾

ای پروردگار من پس داخل مکن مرا درگروه ستمگاران (٩٤) .

وَاِنَّا عَلٰى اَنْ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقٰدِرُوْنَ ﴿٩٥﴾

وهرآئینه ما برآنکه بنمائیم ترا آنچه وعده دهیم بایشان توانائیم (٩٥) .

اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ ؕ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُوْنَ ﴿٩٦﴾

ومقابله کُن بدی را بخصلتی که آن نیك ست ما داناتریم بآنچه بیان می کنند (٩٦) .

وَقُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ ﴿٩٧﴾

وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن پناه می برم بتوازدغدغه های شیاطین (٩٧) .

وَاَعُوْذُبِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ ﴿٩٨﴾

و پناه می برم بتوای پروردگار من ازآنکه حاضر شوند پیش من (٩٨) .

حَتّٰۤى اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ﴿٩٩﴾

(درغفلت خویش باشند) تاوقتیکه چون بیاید کسی را ازایشان موت گویدای پروردگار من بازگردان مرا (٩٩) .

لَعَلِّىْۤ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيْمَا تَرَكْتُ كَلَّا ؕ اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا ؕ
وَمِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ ﴿١٠٠﴾

بُوَدکه کار نیکو کنم درسرائی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی ست که وی گوینده آنست و پیش ایشان حجابی باشد تاروزیکه برانگیخته شوند (١٠٠) .

فَاِذَا نُفِخَ فِى الصُّوْرِ فَلَاۤ اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ
وَّلَا يَتَسَآءَلُوْنَ ﴿١٠١﴾

پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها نباشد میان ایشان آن روز و نه بایکدیگر سوال جواب کنند (١٠١) .

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٠٢﴾

پس هرکه گران آیدکفه های ترازوی أوپس آن جماعت ایشانند رستگاران (١٠٢) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْۤا اَنْفُسَهُمْ
فِىْ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٣﴾

وهرکه سبك شد کفه های ترازوی اوپس آن جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش دردوزخ جاویدانند (١٠٣) .

تَلْفَحُ وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيْهَا كٰلِحُوْنَ ﴿١٠٤﴾

می سوزد چهره های ایشان را آتش وایشان آنجا ترش روهستند (١٠٤) .

اَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِىْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿١٠٥﴾

گویم آیا خوانده نمی شدآیاتِ من برشما پس آن را دروغ می پنداشتید (١٠٥) .

قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّيْنَ ﴿١٠٦﴾

گفتند ای پروردگار ماغالب آمدبرما بدبختیِ ماوبودیم گروهی گمراه (١٠٦) .

رَبَّنَاۤ اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظٰلِمُوْنَ ﴿١٠٧﴾

ای پروردگار ما بیرون آرمارا ازینجا پس اگر برگردیم بکفرپس هرآئینه ماستمگار باشیم (١٠٧) .

قَالَ اخْسَـُٔوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنِ ﴿١٠٨﴾

خدا می‌فرماید برسوائی داخل شویددرآن وسخن مگوئید بامن (١٠٨) .

إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا
فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١٠٩﴾

هرآئينه بودند گروهی ازبندگان که می گفتند ای پروردگارما ايمان آورديم پس بيامرزمارا وببخشای برماوتو بهترين بخشايندگانی (١٠٩) .

فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ
تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾

پس مسخره گرفتيد ايشان را تاحديکه فراموش گردانيدند يادمراازدل شما وشما برايشان ميخنديديد (١١٠) .

إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾

هرآئينه من جزادادم ايشان را امروزبمقابله صبر ايشان بآنکه ايشانند بمراد رسندگان (١١١) .

قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾

گويد خدا چقدر درنگ کرديد درزمين بحساب شمار سالها (١١٢) .

قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ ﴿١١٣﴾

گويند درنگ کرديم يك روزيابعض روز پس بپرس از شمار کنندگان (١١٣) .

قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾

گويد خدا توقف نه کرده ايد مگراندکی اگرشما می دانستيد (١١٤) .

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾

آيا پنداشتيد که آفريديم شمارا بيهوده وآنکه شما بسوی ما گردانيده نشويد (١١٥) .

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ
ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾

پس برترست خدا پادشاه ثابت نيست هيچ معبود برحق غيراو پروردگار عرش گرامی قدر (١١٦) .

وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ
فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١١٧﴾

هرکه بخواند باخدا معبودِ ديگر را هيچ حجتی نيست وی را برثبوت آن معبودپس جزاين نيست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئينه رستگار نمی شوند کافران (١١٧) .

وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١١٨﴾

وبگوای پروردگار من بيامرز وببخشای وتو بهترين بخشندگانی (١١٨) .